

Research Article

***Jurisprudential and legal analysis of the principles and applications of
electronic signatures***

Javad Vafadar¹, Alireza Asgari², Nasrin Karimi³

Received: 2022/12/22

Accepted: 2023/03/19

Abstract

Nowadays, due to the increasing expansion of communication and internet tools, many business and contract actors are concluding contracts through cyberspace platforms. Since there is a spatial distance between the parties to the contract, the parties sign their contractual agreements electronically in many cases. In the meantime, the validity and applications of electronic signatures are discussed; because, unlike in the past, the signature is not done physically and in person. This raises the question of the validity of electronic signatures, and on the other hand, if the electronic signature is valid, the question of its application arises; meaning that, considering the considerations of commercial and international contracts, electronic signatures can only be used in this field or can they also be used in the scope of domestic contracts. In the present study, an attempt was made to answer the previous questions using the analytical-descriptive method and library tools. The research finding is that on the one hand, by relying on jurisprudential criteria and legal regulations, the validity of electronic signature can be justified. In the present study, focusing on the principle of expediency and the principle of hullity and legal regulations, the validity of electronic signature was assessed, and the possibility of benefiting from it was proven. When the validity of electronic signature was proven, it can be said that the application of electronic signature is not limited to international trade or special contracts; rather, it can cover all areas of legal practice.

Keywords: *Electronic signature, jurisprudential and legal foundations, application of electronic signature, jurisprudential criteria, electronic commerce law..*

¹ - PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

² - Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (corresponding author) alireza.asgari88@gmail.com

³ - Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.



دوفصلنامه علمی - پژوهشی مبانی فقهی حقوق اسلامی
 سال 15 • شماره 2 • پاییز و زمستان 1401 • شماره پیاپی 30

مقاله پژوهشی

تحلیل فقهی و حقوق مبانی و کاربرت های امضای الکترونیکی

جواد وفادار^۴، علیرضا عسگری^۵، نسرین کریمی^۶

چکیده

امروزه با توجه به گسترش روز افزون وسایل ارتباطی و انترنتی، بسیاری از فعالان گستره تجارت و قرارداد از رهگذر بسترهای فضای مجازی اقدام به انعقاد قرارداد می‌کنند. از آنجایی که میان طرفین قرارداد فاصله مکانی وجود دارد، طرفین در بسیاری از موارد به صورت الکترونیکی، توافقات قراردادی^۱شان را امضا می‌کنند. در این میان بحث از اعتبار و کاربرت^۲های امضای الکترونیکی مطرح می‌شود؛ زیرا بر خلاف گذشته، امضا به صورت فیزیکی و حضوری انجام نمی‌شود. این مسئله باعث پدیداری پرسش از اعتبار امضای الکترونیکی را مطرح می‌سازد و از سوی دیگر، در صورت معتبر بودن امضای الکترونیکی، پرسش از کاربرت آن به وجود می‌آید؛ به این معنا که باتوجه به ملاحظات قراردادهای تجاری و بین المللی، امضای الکترونیکی تنها در این عرصه قابل به کارگیری از است یا اینکه می‌تواند در گستره قراردادهای داخلی نیز مورد استفاده باشد. در پژوهش فرارو تلاش شد تا با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه به پرسش^۳های پیشین پاسخ داده شود. یافته پژوهش آن است که با از یک سو، با تمسک به ضوابط فقهی و مقررات قانونی می‌توان اعتبار امضای الکترونیکی را توجیه نمود. در پژوهش حاضر با تمرکز به اصل مصلحت و اصل حلیت و مقررات قانونی اعتبار امضای الکترونیکی سنجش شده، امکان بهره^۴مندی از آن اثبات شد. آن گاه که اعتبار امضای الکترونیکی به اثبات رسید، می‌توان گفت که کاربرت امضای الکترونیکی محدود به تجارت بین الملل یا قرارداد ویژه نیست؛ بلکه می‌تواند همه گستره^۵های اعمال حقوقی را پوشش دهد.

واژگان کلیدی: امضای الکترونیکی، مبانی فقهی و حقوقی، کاربرت امضای الکترونیکی، ضوابط فقهی، قانون

تجارت الکترونیک.

^۴ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

^۵ دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

alireza.asgari88@gmail.com

^۶ دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

یکی از مباحث پراهمیت در گستره قراردادهای الکترونیکی، بحث از امضای الکترونیکی است؛ این بدان دلیل است که در بسیاری از قراردادهای الکترونیکی، طرفین به صورت حضوری هم‌دیگر را ملاقات نمی‌کنند؛ بلکه از بستر فضای مجازی و با استفاده از ابزارهای مانند ایمیل و غیره اقدام به انعقاد قراردادهای الکترونیکی می‌نمایند. قراردادهای برخاسته از توافقاتی است که طرفین پس از مذاکرات و گفت‌وگو بدان نایل می‌آیند. گاهی ممکن است، مباحث مقدماتی قراردادهای مدت‌ها زمان ببرد. توافق طرفین در قالب متنی تدوین و از سوی آنها امضا می‌گردد تا در زمان‌های بروز اختلافات بتوان به عنوان مستمسک در محاکم و مراجع حل اختلاف استفاده نمود. پدیداری ابزارهای ارتباط الکترونیکی باعث شده است که طرفین قرارداد از فاصله‌های مکانی نسبت به انعقاد معاملات در گستره‌های گوناگون اقدام نموده، بسیاری از معاملاتشان را از رهگذر این فضای دنیال کنند. اهمیت سرعت در تجارت از یک سو، امکان ارتباط هم‌زمان با استفاده از ابزارهای اینترنت باعث شده است که کنشگران و فعالان گستره تجارت و معاملات، روابط قراردادی‌شان را با استفاده از بستر و ابزارهای ارتباطی اینترنتی سامان بخشند. امضای الکترونیکی نیز یکی از اقداماتی است که محصول رشد و توسعه ابزارهای الکترونیکی می‌باشد. به این معنا که طرفین با استفاده از آنها بدون اینکه به صورت حضوری و فیزیکی امضا نمایند، با استفاده از ابزارهای الکترونیکی این عمل را انجام می‌دهند. امضای الکترونیکی به رغم امتیازات، پرسش‌هایی را نیز پدید آورده است. گرچه پرسش‌ها می‌توانند ناظر به ماهیت، چگونگی و غیره امضای الکترونیکی باشد؛ ولی در این میان یکی از پرسش‌های بنیادی، بحث اعتبار امضای الکترونیکی است. با توجه به نوپدید بودن امضای الکترونیکی، مباحث مرتبط با آن در فقه سنتی اسلامی پردازش نشده است و از سوی دیگر، در حقوق نیز به رغم تقنین‌های موجود، بحث از اعتبار آن، هنوز به عنوان یکی از مباحث چالش‌مطرح است. پژوهش‌فرارو در پی پاسخ به پرسش مزبور است. در ادامه پس از طرح مباحث مقدمات، مبانی اعتبار امضای الکترونیکی از منظر فقه و حقوق سنجش خواهد شد و در نهایت، کاربردهای امضای الکترونیکی بررسی می‌گردد تا در پرتو آن بتوان ضمن تولید ادبیات علمی کافی نسبت به مبانی و کاربردهای امضای الکترونیکی، وضعیت آن را در نظام حقوقی و فقه اسلامی روشن نمود.

مفهوم شناسی

منطق پژوهش مقتضی آن است که پیش از طرح مباحث اصلی، واژگان و اصطلاحات شناسانده شوند؛ زیرا روشن نشدن آنها باعث ابهام نگاشته و سردرگمی خواننده می‌گردد؛ از این‌رو در این مجال تلاش می‌گردد مفاهیم و اصطلاحات تعریف شوند.

1. مبانی

مبانی جمع مبنی و آن به معنی شالوده، بنیاد، اساس، بنیان یک چیز است؛ (حسن عمید، فرهنگ عمید، واژه مبنا). در برخی منابع واژه‌شناسی چنین آمده است: «المبني ما بيني عليه» (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 2، ص 302). در اصطلاح درباره تعریف این واژه دیدگاه یگانه وجود ندارد و اندیشه‌وران متناسب با رشته علمی و گستره پژوهش‌هایشان، آن را تعریف نموده‌اند. به باور برخی، مبنا عبارت از گزاره‌هایی است که در کلام صورت‌بندی می‌شوند، کلی و فراگیر هستند و از جهت معرفتی، عامل تمایز مکاتب و دانش‌ها و گرایش‌ها به شمار می‌رود؛ برای نمونه برآیند باور به حاکمیت عادلانه الهی، مفهوم ویژه‌ای از عدالت است که در نظام لیبرالیستی و سوسیالیستی

نیست. (قاسم ترخان، برآیند مبانی کلامی در علوم انسانی اسلامی، ص 37). اندیشمندان علم حقوق نیز متناسب به مطالعاتشان از مبنا، تعریف ارائه کرده‌اند؛ بر پایه دیدگاه برخی از حقوق دانان، واژه «مبنا» عبارت از نیروی الزام‌آور حقوقی و مقامی است که ارزش قواعد حقوقی را تأمین می‌کند و اساس همه قواعد آن را تشکیل می‌دهد؛ بدین‌گونه که نظام حقوقی مبتنی بر آن و قواعد و مقررات حقوق بر اساس آن وضع می‌گردد؛ بنابراین نیرو و جاذبه‌ای که پشتیبان قانون بوده، انسان را به اجرای آن وامی‌دارد، «مبنای حقوق» خواهد بود. (سید علی جبار گلباغی ماسوله‌ای، در آمدی بر عرف، ص 52). برخی از حقوق دانان دیگر نیز بر آن اند که در گستره حقوق مبنا عبارت از نیروی پنهانی است که الزام قواعد و ضوابط حقوقی را توجیه می‌کند. (ناصر کاتوزیان، مقدمه حقوق، ص 78). به هرروی باید گفت که مبنا در واقع عامل توجیه کننده ضوابط و قواعد حقوقی در گستره فقه و حقوق است؛ برای نمونه آن گاه که گفته می‌شود، در هنگامه قرمز بودن چراغ راهنمایی، باید توقف کرد، عامل اقناع بخش برای ایستادن در پشت چراغ قرمز، مبنای قانون مزبور است که می‌تواند اصل مصلحت، حفظ نظام اجتماعی و غیره باشد.

2. امضای الکترونیکی

در مورد امضای الکترونیکی هم مانند بسیاری از اصطلاحات حقوقی دیدگاه یگانه وجود ندارد؛ این بدان دلیل است که در این گستره نمی‌توان تعریف جامع و کاملی از اصطلاحات ارائه داد. براین اساس است که تعاریف جنبه نسبی پیدا می‌نمایند و هر اندیشه‌ورزی با توجه به برداشت و تحلیل‌های خود به ارائه شناسه مبادرت می‌نمایند. این مسئله در مورد، امضای الکترونیکی نیز صادق است. بنابراین برخی از تعاریف بیان می‌شود و در نهایت تعریف مورد نظر ارائه خواهد شد. امضا به مفهوم عام آن در اصطلاح حقوقی به معنا نوشتن نام یا نام خانوادگی یا هردوی آنها یا ترسیم علامه ویژه که نشان‌دهنده هویت دارنده علامت در زیر اوراق و انسادای گفته می‌شود که در بردارنده معامله، اقرار، شهادت، تعهد یا اینکه قرار است بعداً بر روی آنها، تعهدی ثبت شود. (محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، واژه امضا). برخی امضایی الکترونیکی را عبارت از ارقام، اشاره‌ها، حروف و رمزهای انگاشته است که از رهگذر آن می‌توان شخص صاحب امضا را از دیگران تشخیص داد و به آن اعتماد نمود. (منیر محمد الجنبیهی و ممدوح محمد الجنبیهی، التوقيع الکترونی و حجیته فی الإثبات، ص 8).

برخی دیگر مفهوم عامی برای امضای دیجیتال مطرح کرده، برآن‌اند که هر علامتی بیانگر قصد اصلی امضا کننده برای الزام به انجام یا خود از عملی، امضای دیجیتال است. (محمود عرفانی، حقوق تجارت، ج 3، ص 144). از دیدگاه برخی دیگر امضای الکترونیکی به مفهوم عامش، عبارت از رمز مستقل و محرمانه است که هویت ارسال کننده و الحاق او به سندی را که محتوای داده را تشکیل می‌دهد، امکان‌پذیر می‌نماید. (ستار زرکلام، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا، نشریه مدرس، دوره 7، شماره 1، بهار 1382، ص 37). قانونگذار در بند «ی» ماده 2 قانون تجارت الکترونیک، امضا را این‌گونه تعریف نموده است: «امضای الکترونیکی عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده‌پیام است که برای شناسایی امضاکننده داده‌پیام استفاده می‌شود» برپایه این ماده قانونی امضای الکترونیکی هر علامتی که دارای ویژگی‌های بیان شده در ماده مزبور باشد، امضای الکترونیکی به شمار رفته است و در صورتی که در مسایل مربوط به قراردادهای الکترونیکی، قانون وجود امضا را لازم انگارد، امضای الکترونیکی کفایت می‌کند. این بدن معنا است که از نظر قانونگذار ایران، امضای الکترونیکی دارای اعتبار بوده، در محاکم می‌تولند به عنوان دلیل به کار گرفته شود؛ از این‌رو در ماده 15 ق.ت.ا.

انکار و تردید نسبت به امضای الکترونیکی دارای شرایط قانونی را غیر مسموع انگاشته است که این بیانگر اعتباری فراوان امضای الکترونیکی در نظام حقوقی ایران است.

3. گونه‌های امضای الکترونیکی

در فقه اسلامی، امضای الکترونیکی گونه‌بند نشده است؛ این بدان دلیل است که این مفهوم در فقه داری پیشینه نیست و از مباحث نوپدید گستره حقوق به شمار می‌رود؛ از این رو نمی‌توان انتظار مباحث مستوفات و کافی در مورد امضای الکترونیکی از سوی فقها داشت؛ ولی موضوع مزبور از سوی حقوقدانان و نظام حقوقی پردازش شده است؛ برای نمونه قانون تجارت الکترونیکی ایران ولو به صورت ناقص به این موضوع پرداخته شده است. با توجه به قانون تجارت الکترونیک ایران می‌توان گفت امضای الکترونیکی دارای دو گونه عادی و مطمئن است.

1-3. امضای الکترونیکی عادی

این نوع امضا در ماده دوم قانون تجارت الکترونیک ایران پیش بینی شده است؛ در این ماده چنین آمده است: «امضای الکترونیکی عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده‌پیام است که برای شناسایی امضاکننده داده‌پیام استفاده می‌شود» برابر این ماده قانونی هر داده الکترونیکی که به پیام ملحق شده باشد یا اینکه از نظر منطقی، با داده پیام مرتبط باشد و رابطه امضاکننده با داده‌هایی که با آن در ارتباط است، مشخص نماید، امضای الکترونیکی ساده است. این امضا در صورتی که شرایط مصرح در ماده مزبور محقق باشد، پدید می‌آید؛ به بیان دیگر در صورتی که امضای الکترونیکی دارای شرایط عمومی امضای این گستره باشد، به آن امضای الکترونیکی ساده اطلاق می‌شود. براین اساس باید گفت که امضای ساده الکترونیکی آن گاه محقق می‌شود که علامت یا داده‌ای به پیامی متصل گردد و تنها بیانگر رابطه امضاکننده با داده پیامی که امضا شده است، باشد. (محمد ساردوئی نسب و احمد طاهری، اسناد تجارتي الکترونیکی (برات، سفته و چک الکترونیکی)، ج 1، ص 115). امضا به صورت عام و امضای الکترونیکی به صورت ویژه در نظام‌های حقوقی دارای دو کارکرد است: نخست آن که هویت صادر کننده سند را معین می‌نماید و دوم اینکه، اصالت محتوای سند و آثار حقوقی برخاسته از آن را به اثبات می‌رساند. (محسن اکبری، بررسی موانع حقوقی توسعه خرید و فروش الکترونیکی در ایران، ص 62). این کارکرد را می‌توان در امضای الکترونیکی ساده نیز جست‌وجو کرد؛ زیرا قانونگذار ایران، این گونه امضاها را معتبرانگاشته، اعتبار داشتن امضای سند بدان معنا است که می‌توان کارکردهای امضای الکترونیکی از آن نیز انتظار داشت.

2-3. امضای الکترونیکی مطمئن

یکی از گونه‌های از مواد قانونی می‌توان استنباط نمود، امضای الکترونیکی مطمئن است. قانونگذار در ماده در بند «ک» ماده دوم قانون تجارت الکترونیک این نوع امضا را پیش بینی کرده است. این نوع امضا دارای اعتبار فراوان است و قابلیت انتساب محتوای آن را با امضاکننده، مطمئن می‌کند. البته این نوع امضا در صورتی پدید می‌آید که امضاکننده شرایط زیر را رعایت نماید: الف. نسبت به امضای کننده منحصر به فرد باشد، ب. هویت امضاکننده «داده‌پیام» را معلوم کند؛ ج. به وسیله امضاکننده یا براساس اراده انحصاری او صادر شده باشد، د. به گونه ای به یک «داده‌پیام» متصل شود که هر تغییری در آن، قابل تشخیص و کشف باشد. در این صورت است که مفهوم امضای الکترونیکی مطمئن پدید می‌آید. این نوع امضای الکترونیکی دارای ضریب بالایی اطمینان و بیانگر تعلق امضا به شخصی مورد نظر است. به هر روی یکی از گونه‌های امضای الکترونیکی، نوع مطمئن آن است که از سوی قانونگذار نیز مورد شناسایی قرار گرفته است و نسبت به امضای الکترونیکی ساده از درجه اطمینان افزون‌تری برخوردار است.

4. مبانی اعتبار امضای الکترونیکی و کاربرست‌های امضای الکترونیکی

بحث از مبانی و کاربرست‌های امضای الکترونیکی، هدف اصل پژوهش فرارو است. به این معنا که باید موضع نظام فقه اسلامی و حقوق در مورد امضای الکترونیکی روشن گردد. ضرورت بحث بدان دلیل است که امروزه، امضای الکترونیکی که یکی از پیامدهای گسترش و توسعه بستر فضای مجازی و اینترنت است، به عنوان ابزاری در قراردادهای مورد استفاده قرار می‌گیرد. فقه در صورتی می‌تواند پاسخ‌گوی مسایل روز و نیازهای حقوقی جامعه باشد که همگام با مسایل نوپدید روزآمد شود؛ این مستلزم آن است که فقهای اسلامی و حقوقدانان، مفاهیم نوپدید را تبیین نمایند و با تمسک به ضوابط فقهی و حقوقی، ابعاد گوناگون آنها را بررسی کنند. امضای الکترونیکی نیز یکی از مباحث پراهمیت و چالشی است که با توجه به حضور روز افزون آن در گستره معاملات، ضروری است از سوی فقه اسلامی و حقوقدانان مطالعه و پژوهش شود. این مسئله، زمانی اهمیت دو چندان می‌یابد که کنشگران تجارت و معاملات به صورت فزاینده از امضای الکترونیکی در معاملات و روابط قراردادی‌شان استفاده می‌نمایند. بحث از امضای الکترونیکی می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد که بحث از اعتبار و کاربرست‌های آن یکی از مباحث محوری به شمار می‌رود. در این مجال تلاش خواهد شد که این دو بحث دنبال شود؛ از این‌رو نخست، امضای الکترونیکی از منظر فقه و حقوق، اعتبارسنجی می‌شود، سپس کاربرست‌های آن بررسی خواهد شد.

4-1-1 مبانی اعتبار امضای الکترونیکی

سنجش اعتبار امضای الکترونیکی بسان بسیاری از مفاهیم نوپدید نیازمند بررسی منابع فقهی و حقوقی است تا در پرتو اصول و ضوابط فقهی از یک سو و مقررات قانون از دیگر سو، بتوان سخن از اعتبار یا عدم اعتبار مفهومی گفت. امضای الکترونیکی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این‌رو برای رسیدن به هدف مزبور، باید منابع فقهی و حقوقی به کاوش گرفته شوند. براین اساس در این مجال تلاش خواهد شد، نخست با مراجعه به منابع فقهی اعتبار امضای الکترونیکی سنجش شود و سپس، منابع حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

4-1-1-1 مبانی فقهی

از نظر شرع و فقه نیز باید گفت گرچه فقهای امامیه به این بحث نپرداخته‌اند؛ ولی از یک سو، توجه به اهداف امضای الکترونیکی که عبارت از حفظ امنیت قراردادهای برخاسته از فضای مجازی و اینترنتی است، می‌توان آن را از نظر شرعی توجیه نمود و از سوی دیگر بدان دلیل که این عمل مزایای فراوانی دیگر مانند کاهش قیمت، جلوگیری از اتلاف فرصت، دارد، می‌توان گفت که حد اقل این عمل از نظر شرعی حرام نیست؛ زیرا در برخی از آیات قرآن، حرام انگاشتن اموری که حرمت شرعی نداشته باشد، نکوهیده شده است؛ رای نمونه در 87 سوره مائده چنین آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما أحلَّ اللهُ لکم»؛ هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند چیزهای پاکیزه‌ای را که برای شما حلال فرموده، حرام نکنید و از حد تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست ندارد. برخی (مهد معصوم بالله، تجارت الکترونیک اسلامی؛ رویکرد کاربردی، ترجمه سید محسن روحانی، ص 260). با تمسک به این آیه قرآن سخن از اعتبار شرعی امضایی الکترونیکی به میان آورده است.

افزون برآن می‌توان با تمسک به اصل اولی حلیت که یکی از اصول بنیادی در نظام فقه اسلامی است، (مازندرانی، علی اکبر سیفی، دلیل تحریر الوسیله - ولایة الفقیه، ص 295؛ سید عبد الأعلى سبزواری، مهدب الأحكام، ج 23، ص 52). شرعیت امضای الکترونیکی را اثبات نمود؛ زیرا برپایه این اصل، هر چیزی حلال و مشروع است مگر اینکه از

سوی نظام فقه اسلامی نسبت به آن ممنوعیتی صادر شده باشد که در این صورت اجتناب از آن ضروری است. از آنجایی که امضای الکترونیکی اگر در چهارچوب‌های تعریف شده انجا شود، مفسده آنچنان به دنبال ندارد؛ بلکه در بسیاری موارد همراه با مصلحت و سودمندی است، می‌توان گفت که نظام فقه اسلامی با آن ناسازگار نیست؛ بنابراین طرفین در قراردادهای الکترونیکی می‌توانند با استفاده از امضای الکترونیکی، روابط حقوقی و قراردادی‌شان را سامان ببخشند.

4-1-1-1. اصل حلیت

اصل حلیت بیع و اعمال حقوقی یکی از اصول است که با تمسک به آیه 275 سوره بقره قابل استنباط است. اصل حلیت بدان معنا است که خداوند بیع را مجاز شمرده، ربا را ممنوع انگاشته است. در مورد گستره این آیه، دیدگاه یگانه وجود ندارد. برخی از اندیشه‌وران فقهی بر آن‌اند که این آیه نمی‌تواند مباحث و موضوعات مستحدث را پوشش دهد؛ زیرا آیه ناظر به مفاهیمی است که در زمان تشریح وجود داشته‌اند؛ از این‌رو تنها می‌توان مفاهیم سنتی فقهی را با تمسک به آیه مزبور تحلیل نمود؛ این دسته از فقها، در مورد «اوفوا بالعقود» نیز این باور را دارند. (احمد نراقی، عوائدالایام، صص 19 و 20). برپایه این دیدگاه، نمی‌توان از اصل حلیت برای اثبات اعتبار امضای الکترونیکی که یکی از مفاهیم نوپدید در گستره اعمال حقوقی است، استفاده نمود. در برابر دیدگاه مزبوره، گروهی از فقهای اسلامی، انگاره شمول آیه مزبور نسبت به همه قراردادها و اعمال حقوقی را نموده‌اند. برپایه این دیدگاه، حکم به طبیعت اشیا به صورت قضیه حقیقه تعلق می‌گیرد؛ (ابوالقاسم گرگی، فصل نامه نقد و نظر، شماره 1، زمستان 1373، ص 38). از این‌رو هرآنچه که در هر زمانی از نظر عرف، بیع اطلاق شود، می‌تواند در دایره «احل البیع» جای‌گیرد و حکم این آیه بدان تطبیق شود. همانگونه که ملاحظه می‌شود، این انگاره باور به فراخی دامنه اصل حلیت دارد و آن را محدود به زمان شارع و مفاهیم سنتی فقهی نمی‌سازد. به نظر می‌رسد این انگاره با روح و هدف دین اسلام که از یک سو، مدعی مدیریت جامعه و از دیگر سو، جاودانه است، می‌باشد؛ زیرا اگر نتوان اصل مطرح در فقه اسلامی را نسبت به مفاهیم جدید تطبیق داد، قدرت پاسخ‌گویی و روزآمدی نظام تشریح کاسته خواهد شد که این مسئله به نوعی با اهداف شریعت اسلامی ناسازگار است. بنابراین آنگاه که انگاره، شمول اصل حلیت نسبت به مفاهیم نوپدید اثبات و توجیه شد، می‌توان گفت که امضای الکترونیکی را نیز می‌توان در چهارچوب اصل مزبور تحلیل و سنجش نمود. از آنجایی که امضای الکترونیکی به عنوان یک عمل حقوقی از سوی خردمندان گستره معاملات مورد پذیرش است و عرف نیز آن را پذیرفته است و از دیگر سو، همساز با نیازمندی‌های تجارت مدرن هست، می‌توان گفت با تطبیق اصل حلیت بر آن، اعتبار آن قابل اثبات است. ممکن است گفت شود که با توجه به حاضر نبودن طرفین در امضای الکترونیکی، قاعده غرر مانع اعتبار امضای الکترونیکی می‌شود؛ زیرا ویژگی امضای الکترونیکی شائبه پدیداری غرر و ضرر را تقویت می‌نماید؛ ولی در پاسخ باید گفت، مکانیسم‌های امضای الکترونیکی به گونه‌ای است که امنیت در آن بیش از امضای‌های عادی و حضوری است؛ زیرا در امضای‌های حضوری و عادی، امکان تقلید وجود دارد؛ ولی در امضای الکترونیکی چنین نیست. (محمد مدحت عزمی، الماملات التجاریه الالکترونیه الأسیس القانونیه و التطبيقات، 2008، 236). بنابراین، شائبه بروز غرر در امضای الکترونیکی ناموجه است. به هرروی یکی از ضوابط فقهی توجیه کننده اعتبار امضای الکترونیکی، اصل حلیت است.

4-1-1-2. اصل مصلحت

یکی از آرمان‌ها و اهداف فطری و غریزی انسان، رسیدن به منافع و مصالحی است که برای آن تلاش و کوشش می‌کند؛ حال تفاوت نمی‌کند منافع مزبور جنبه دنیوی داشته باشد یا اخروی یا اینکه مربوط به امور شخصی باشد یا امور جمعی را نیز در برگیرد. باید گفت که احکام اسلامی نیز برای تأمین منافع انسان تقنین شده‌اند؛ زیرا بر پایه مبانی قرآنی دین اسلام، احکام همساز با فطرت و سرشت انسان می‌باشد. (روم / 30). مصلحت نیز عبارت از عمل و کوششی است که انسان را برای رسیدن به هدف نهایی آفرینش و تحقق اهداف پیامبران یاری رساند. (ابوالقاسم علیدوست، فقه و مصلحت، ص 87). بنابراین نمی‌توان اموری را که ناهم‌ساز با گرایش‌های فطری انسان باشد، تجویز یا ترویج نمود. نه تنها دین اسلام نمی‌تواند اموری را که مخالف منافع و مصالح بشر است، تجویز کند که باید بسترهای مناسب را برای دستیابی به منافع و دفع ضرر فراهم نماید تا انسان‌ها در سایه آن به کمال و سعادت مورد انتظار دست یابند و طبق آموزه‌ها و منابع اسلامی کمال انسان هم رسیدن به قرب خداوند می‌باشد؛ (انشقاق/ 5). از این‌رو بسترها باید به گونه‌ای فراهم باشد که او را در این مسیر یاری رساند و مانع این سیر صعودی نگردد؛ به بیانگر دیگر در بسترسازی‌ها مصالح انسان در نظر گرفته شود و اجرا از این مسیر ترقی و تعالی باز ندارد که این چنین شود، مصلحت او نادیده انگاشته خواهد شد.

براین اساس است که اندیشه‌وران اسلامی یکی از امور اجتهاد را اصل مصلحت می‌انگارند تا با توجه به این مصالح و منافع، امور جامعه سازماند شود و چیزی مانع یا باعث ایستایی حرکت پیش‌رو انسان نگردد. (محمد ابراهیم جناتی شاهرودی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص 329). توجه به روایات مربوط به ولایت، حکومت، معاملات و حقوق اعم از حقوق الله و حقوق الناس بیانگر آن است که شارع مقدس نسبت به منافع و مصالح اهتمام ویژه ورزیده است. (سید محمد حسن مرعشی شوشتری، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج 1، ص 36).

به‌صورت کلی می‌توان گفت که دسترسی به منافع و مصالح از اهداف اساسی و بنیادین همه افراد بشر، ادیان آسمانی، غیر آسمانی و مکاتب سیاسی و حقوقی به شمار می‌رود؛ برای نمونه، بسیاری از قوانین کیفری و حقوقی بشری به‌منظور دست‌یافتن به مصلحت و دفع ضرر تقنین می‌شوند؛ براین اساس است که برخی بر اهمیت اصل مصلحت در گستره حقوق کیفری تأکید کرده‌اند. (حمید دهقان چاچکامی، جایگاه مصلحت در قانونگذاری کیفری ایران، ص 218). باید توجه داشت که بسیاری از قانون‌گذاران، قوانین بشری را برای رسیدن و دست‌یافتن به مصالح فردی و نوعی وضع می‌کنند؛ ولی اختلاف در تشخیص و مصداق‌یابی مصالح و منافع انسان وجود دارد؛ از این‌رو ممکن است در یک نظام حقوقی، قوانینی وضع گردد که از منظر نظام حقوقی دیگر، مخالف مصالح و منافع بشر انگاشته شود؛ زیرا تعیین مصالح و مفاسد انسان رابطه معناداری با مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و جهان‌شناسانه نظام‌های حقوقی و فکری دارد؛ این امر در گستره اقتصاد نیز صادق است؛ به این معنا که اقتصاد سودانگار و مادی‌گرا یک نوع مصلحت را دنبال می‌نماید و مبانی اقتصادی الهی نوع دیگر آن را مطرح نظر قرار می‌دهد.

بر پایه مبانی اسلام، مصالح و منافع از نظر اسلام به دو گونه دنیوی و اخروی قابل‌گونه‌بندی است. باید توجه داشت که دسته‌بندی مصالح به دنیوی و اخروی به معنای ناسازگاری آن دو نیست؛ زیرا آن دو، دارای رابطه تنگاتنگی است؛ به این معنا که مصالح دنیوی می‌تواند زمینه‌ساز پدیداری مصالح اخروی گردد و عدم آن، باعث نابودی مصالح در گستره قیامت می‌شود. بنابراین اگر انسان بتواند مصالح دنیوی خود را به دست آورد و سعادت‌مندی دنیوی را تأمین

نماید، در آخرت نیز چنین خواهد بود. باید توجه داشت که یکی از اختلافات بنیادین میان مکتب اسلام با مکتب غیرالهی در این است که مقررات اسلام هم مصالح دنیوی و هم اخروی را پوشش می‌دهد؛ ولی مکاتب غیراسلامی این‌گونه نیست. در مکتب‌های غیرالهی، قوانین و مقرراتی که بر اساس حفظ مصالح و منافع جامعه وضع می‌شوند، هدف اصلی در آن‌ها تأمین منافع مادی و دنیوی است و توجهی به ابعاد معنوی و اعتقادی انسان‌ها نمی‌شود. هدف از آن‌ها این است که انسان‌ها به منافع مادی و دنیوی خود دست یابند و عقاید مذهبی و قوانین و مقررات الهی در وضع قوانین آنان به هیچ‌وجه نقش ندارد؛ ولی باید قوانین و مقررات اسلامی و دینی با اهداف اعتقادی و موازین شرعی هماهنگ بوده، با اصول آن سازگاری داشته باشند.

بنابراین به صورت کلی می‌توان گفت که مقررات و ضوابط حقوقی و فقهی به نوعی بر اساس مصالح وضع می‌شوند، برآیند تجاوز به این مصالح و منافع، فساد و فلاکت است. نظام تقنین اسلامی نیز بر پایه تشخیص مصلحت و نفع جامعه می‌تواند در گستره‌های لازم تصمیم‌سازی نماید و موضوعات نوپدید را اعتبارسنجی کند؛ به بیان دیگر، بر نظام تقنینی است که ضمن بررسی ضوابط و قواعد حاکم بر نظام حقوقی اسلام، انبساط آنها را به مصالح جامعه اسلامی سنجش نماید. این روند باید به صورت پویا و فعال انجام شود؛ پویایی و فعال بودن نظام تقنینی اسلامی که در چهارچوب فقه و حقوق نمود می‌یابد مستلزم آن است که همگام با پدیداری موضوعات جدید، فقه و مقررات قانونی حرکت کند؛ زیرا در این صورت است که از یک سو، می‌تواند قدرت پاسخ‌گویی مناسب را داشته باشد و از سوی دیگر، پویایی و فعالان بودن خود را حفظ نماید. حکومت اسلامی که مسؤل بسترسازی رشد و نمو فقه پویا است، می‌تواند مراکز علمی و پژوهشی را تقویت نماید. این بدان دلیل است که حکومت اسلامی به گونه شایسته، مصالح اسلام را درک می‌کند؛ از این رو بر پایه اصول حاکم بر فقه اسلامی، حاکم اسلامی می‌تواند با در نظر داشت مصالح جامعه، حکم اولی را تعطیل کرده، اقدام به صدور حکم ثانوی و حکومتی کند. (سید سجاد ایزدهی، مصلحت در فقه سیاسی شیعه، ص 72).

افزون بر اصل مصلحت و حلیت، اصل صحت نیز می‌تواند به عنوان یکی از مبانی فقهی امضای الکترونیکی مطرح شود. اصل صحت از اصولی است که در فقه و حقوق اسلامی جایگاه و کارکردهای متنوعی دارد؛ هم حوزه عبادات را در بر می‌گیرد و هم در گستره قراردادهای مورد استناد حقوقدانان اسلامی می‌باشد؛ فقهای امامیه باتمسک به اصل صحت بسیاری از معاملات و قراردادها را درست و دارای اثر حقوقی می‌انگارند؛ اصل صحت که باتکیه به مبانی و منابع اسلامی و عقلانی قابل اثبات و استناد است، مفاهیم و کارکردهای مختلفی دارد. به صورت کلی، اصل صحت به معنای تکلیفی و وضعی است. اصل صحتبه معنای تکلیفی؛ معنای تکلیفی اصل صحت آن است که انسان افعال و احوال مسلمان را حمل بر صحت نماید؛ از این رو، اگر عملی دو وجه باشد (حرمت و حلیت)، حمل به حلیت می‌گردد؛ برای نمونه کسی بطری را سر کشد و شبیه شراب باشد، باید حمل بر حلیت نمود؛ چراکه در این زمینه آیه قرآن آمده است: «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً (یونس / 36)»؛ البته اگر در جامعه فساد حاکم باشد اصل بر فساد می‌باشد و این اصل جاری نمی‌باشد.

اصل صحت به معنای حکم وضعی؛ به این معنا است که اگر عقدی واقع شد و بعد از آن نسبت به صحت آن تردید پدید آمد و دلیلی برفساد آن‌ها وجود نداشته باشد، اصالت صحت می‌گوید، آن معاملات صحیح می‌باشد؛ بنابراین اگر کسی همسرش را طلاق داد و شک شود که آیا در زمان طهر غیرمواقع بوده یا نه؛ در این موارد اصل صحت جاری

می‌شود؛ در مورد امضای الکترونیکی هم این قضیه صادق است به این معنا که اگر طرفین در قراردادی امضای الکترونیکی استفاده کرده باشد، در این صورت می‌توانند با تمسک به اصل صحت از درستی آن سخن کنند.

2-1-4. مبانی حقوقی

برپایه قانون تجارت الکترونیک ایران، امضای الکترونیکی معتبر است. البته با توجه به گونه‌های امضای الکترونیکی، درجه اعتبار آنها متفاوت است. بر این اساس در ماده 14 قانون مزبور از اعتبار کلیه داده‌پیام‌های مطمئن سخن گفته شده است. در این ماده چنین آمده است: «کلیه داده‌پیام‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است.» در این ماده به صورت روشن بر اعتبار امضای الکترونیکی مطمئن تأکید شده است. این ماده گرچه از اعطای اعتبار به امضای الکترونیکی مطمئن سخن رفته است؛ ولی این بدان معنا نیست که امضای مزبور به عنوان سند رسمی مطرح است؛ زیرا در ماده قانونی مزبور بیان شده است که «در حکم اسناد معتبر و قابل استناد» است. از عبارت مزبور نمی‌توان اعتبار سند رسمی را برای امضای الکترونیکی مطمئن استنباط نمود. در ماده 15 قانون مزبور تصریح شده است که در مورد امضای الکترونیکی مطمئن تنها می‌توان ادعای جعل مطرح نمود. افزون بر امضای الکترونیکی مطمئن، امضای ساده نیز دارای اعتبار است؛ زیرا در ماده دوم قانون مزبور به صراحت از اعتبار آن سخن به میان آمده است. البته نباید تصور شود که پذیرفته نشدن انکار و تردید به معنای سند رسمی بودن امضای الکترونیکی مطمئن است؛ زیرا همانگونه که قانون بیان کرده است، این گونه امضاها از جهت اعتبار همانند اسناد قابل اعتبار و معتبر است نه اینکه دارای ماهیت اسناد رسمی باشد.

2-4. کاربست‌های امضای الکترونیکی

آن گاه که اعتبار امضای الکترونیکی از منظر فقه و حقوق به اثبات رسید، می‌توان گفت که طرفین قرارداد و کنشگران اعمال حقوقی می‌توانند از آن در گستره‌های گوناگون حقوقی بهره‌برند؛ به این معنا که همانگونه که قراردادهای الکترونیکی تنها به حقوق داخلی محدود نمی‌شود بلکه جغرافیا جهانی را پیموده است و امروزه اشخاص از گوشه و کنار جهان با تمسک به بسترهای مجازی و انترنتی اقدام به مذاکرات مقدمات و انعقاد قرارداد می‌نمایند. این ارتباطات حقوقی گاهی ممکن است از اتباع یک کشور در فضای داخل انجام شود که در این صورت در گستره حقوق داخلی قابل ارزیابی است و گاهی نیز ممکن است، این امر در بستر بین الملل صورت گیرد که در این صورت دارای ویژگی بین المللی خواهد بود.

افزون بر آن گاهی ممکن است، موضوع قرارداد مدنی باشد؛ به این معنا که طرفین در مورد بیع، اجاره و غیره مدنی از امضای الکترونیکی استفاده نمایند؛ برای نمونه ممکن است، شخص یک دستگاه اتومبیل را از دیگری خریداری نماید و برای انجام تأیید نهایی توافق از امضای الکترونیکی استفاده نمایند؛ این امر می‌تواند همه قراردادهای را که در گستره حقوق مدنی انجام می‌شوند، پوشش دهد؛ مانند قرارداد وکالت، صلح و غیره که طرفین در فضای مدنی و با تمسک به ضوابط قانون مدنی اقدام به انعقاد آنها می‌کنند. گاهی نیز ممکن است دو تاجر در فضای داخلی با تمسک به بستر فضای مجازی از امضای الکترونیکی بهره‌گیرند؛ برای نمونه بنگاه داری برای نگاه‌داری از کالایی اقدام با صاحب کالا اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید و به دلیل وجود فاصله مکانی برای تأیید توافقات مد نظر از امضای الکترونیکی

را به کار می‌برد. این مسئله در قراردادهای سفارش ساخت و غیره نیز قابل صدق است. گاهی نیز ممکن است اشخاص در گستره بین الملل اعمال حقوقی را انجام دهند که با توجه به پیچیدگی و سرعت در تجارت بین الملل، استفاده از بستر مجازی و انترنت در تجارت بین الملل روند فزاینده به خود گرفته است. اشخاص حقوقی و حقیقی در تجارت بین الملل نیز می‌توانند از امضای الکترونیکی استفاده نمایند و با تمسک به آن متن توافقاتشان را امضا کنند. افزون بر قراردادها در بحث اثبات نیز امضای الکترونیکی کاربرست خواهد یافت. امروزه بحث از توان اثباتی امضای الکترونیکی یکی از مباحث ادله اثبات به شمار می‌رود. (سحر کریمی، کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی، ص 112؛ الیاس ناصیف، العقود الدولیه العقد الکترونی فی القانون المقارن، ص 247). آنگاه که اصل امضای الکترونیکی دارای اعتبار باشد، توان اثباتی آن به عنوان یک سند مطرح خواهد شد.

نتیجه گیری

کار ویژه پژوهش فرارو، اعتبار سنجی و بررسی کاربرست های امضای الکترونیکی از منظر فقه و حقوق بود. در مقام برآیند پژوهش باید گفت که به رغم نبود ادبیات کافی در زمینه امضای الکترونیکی در نظام فقه اسلامی و حقوق ایران، می‌توان با تمسک به ضوابط و قواعد فقهی، مفاهیم نوپدید را سنجه نمود و از اعتبار و نامعتبر بودن آنها سخن به میان آورد. این کاستی در نظام حقوقی نیز محسوس است؛ به این معنا که از یک سو، مقررات جامع در زمینه امضای الکترونیکی وجود ندارد و تنها در برخی از مقررات قانونی مانند قانون تجارت الکترونیکی به صورت ناقص به امضای الکترونیک پرداخته شده است و از دیگر سو، مبانی امضای الکترونیکی از سوی اندیشه‌وران حقوقی به صورت قابل قبولی پژوهیده نشده است. با وجود مشکلات پیشین، امضای الکترونیکی و به دنبال آن، کاربرست‌های آن را می‌توان با تمسک به ضوابط فقهی و مقررات قانونی توجیه و تبیین نمود. ضوابط مانند اصل حلیت، اصل مصلحت و اصل حلیت از قواعد و ضوابطی است که می‌توانند امضای الکترونیکی را از سوی نظام فقه اسلامی توجیه نمایند. در ساحت حقوقی نیز قانونگذار در قانون تجارت الکترونیک به صورت کوتاه از امضای الکترونیکی سخن به میان آورده است که این بیانگر اعتبار آن در نظام حقوقی ایران است. با توجه به عمومیت مبانی توجیه کننده امضای الکترونیکی از یک سو، عرف متداول در زمینه به کارگیری امضای الکترونیکی از دیگر سو، می‌توان گفت آنگاه اصل امضای الکترونیکی معتبر انگاشته شود، کاربرست آن محدود به گستره ویژه نخواهد بود؛ بلکه در گستره حقوق تجارت، حقوق مدنی و حقوق تجارت بین الملل مطرح باشد.

1. ابوالقاسم علیدوست، فقه و مصلحت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم، 1390؛
2. ابوالقاسم گرچی، فصل نامه نقد و نظر، شماره 1، زمستان 1373؛
3. محمد مدحت عزمی، الماملات التجاریه الألكترونیه الأسس القانونیه و التطبيقات، مرکز الإسكندریه للكتاب، چ اول، 2008م؛
4. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم المقاییس اللغه، بیروت، دارالإحیاء تراث العربی، 1422ه.ق؛
5. اکبری، محسن، بررسی موانع حقوقی توسعه خرید و فروش الکترونیکی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ اول، 1384؛
6. ایزدهی، سید سجاد، مصلحت در فقه سیاسی شیعه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، 1393؛
7. ترخان، قاسم، برابند مبانی کلامی در علوم انسانی اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، 1402؛
8. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ناشر کتابخانه گنج دانش، چ دوم، 1367؛
9. الجنیهی، منیر محمد، الجنیهی، ممدوح محمد، التوقیع الکترونی و حجیته فی الإثبات، بی‌جا، دارالفکر الجامعی، 2004 م؛
10. چاپکامی، حمید دهقان، جایگاه مصلحت در قانونگذاری کیفری ایران، قم، بوستان کتاب، چ اول، 1390؛
11. حسینی شیرازی، سید محمد، اسلام و جامعه، مشهد، مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات ضریح آفتاب، چ اول، 1393؛
12. زرکلام، ستار، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا، نشریه مدرس، دوره 7، شماره 1، بهار 1382؛
13. ساردوئی نسب، محمد، طاهری، احمد، اسناد تجارتي الکترونیکی (برات، سفته و چک الکترونیکی، تهران، نشر میزان، چ اول، 1393؛
14. سیزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، چ چهارم، 1413 ه.ق؛
15. شاهرودی، محمد ابراهیم جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌چا، بی‌تا؛
16. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران، نشر میزان، چ دوم، 1427 ه.ق؛
17. صناعی، سیدمهدی، انفال و آثار آن در اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، 1379؛
18. ضیاء الدین، محمد، الخراج و النظم المالیه للدولیه الإسلامیه، قاهره، الریس، چ دوم، 1911؛
19. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الجمل و العقود فی العبادات، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، چ اول، 1387 ه.ق؛
20. عرفانی، محمود، حقوق تجارت؛ اسناد تجاری، تهران، انتشارات جنگل، چ اول، 1388؛
21. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چ بیست و سوم، 1381؛
22. کاتوزیان، ناصر، مقدمه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ شصت و پنجم، 1387؛
23. کریمی، سحر، کنوانسیون استفاده از ارتباط الکترونیکی در قراردادهای بین المللی، تهران، نشر میزان، چ اول، 1393؛
24. گلباغی ماسوله‌ای، سید علی جبار، در آمدی بر عرف، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چ اول، 1378؛

25. مازندرانی، علی اکبر سیفی، دلیل تحریر الوسیله - ولایة الفقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چ دوم، 1428 هـ ق؛
26. معصوم بالله، مهد، تجارت الکترونیک اسلامی؛ رویکرد کاربردی، ترجمه سید محسن روحانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چ اول، 1391؛
27. ناصیف، الیاس، العقود الدولیه العقد الکترونی فی القانون المقارن، بیروت، توزیع منشورات الحلبي الحقوقیه، الطبعة الأولى، 2009؛
28. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، 1417 هـ ق؛
29. قانون تجارت الکترونیک.